

بتهوون

نقد موسیقی
حسرتداو



بتهوون

مرکز موسیقی بتهوون شیراز

سرشناسه	: زندیاف، حسن، ۱۳۱۹.
عنوان و نام پدیدآور	: نقد موسیقی / تألیف: حسن زندیاف.
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۵۲۸ - ۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: موسیقی - ایران - تاریخ و نقد
موضوع	: Music - Iran - History and criticism
موضوع	: موسیقی - تاریخ و نقد
موضوع	: Music - History and criticism
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف ۸۳ ز/ML۲۴۴
رده‌بندی دیویی	: ۷۸۹/۰۹
شماره کتابخانه ملی	: ۴۸۵۶۵۱۹



انتشارات آرون

نقد موسیقی

تألیف: حسن زندیاف

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۶

چاپ مهرگان: ۱۰۰۰ نسخه

۱۸۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Arwannashr.ir

ایمیل: Arwannashr@yahoo.com

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول
۱۹	چرا به نقد موسیقی خودمان نشستیم؟
۲۷	قضاوت
۳۴	موسیقی در تهران؟
۳۹	تهران چگونه تهران شد
۴۰	تاریخ
۴۱	استناد به تاریخ معاصر
۴۳	حکومت پهلوی
۴۴	نگاهی فشرده به سیاست خارج از کشور
۴۹	لوطی
۵۳	تاریخ موسیقی
۵۵	پهلوی دوم
۵۶	هنرستان موسیقی - کنسرواتوار
۵۷	هنرستان موسیقی ملی
۵۷	موسیقی بعد از انقلاب ۵۷
۶۲	شوراهای موسیقی

۶۹	نتیجه:
۷۲	نوع موسیقی در ایران- سازها
۷۹	ردیف‌های موسیقی
۸۰	صدای انسانی
۸۱	سرزمین آمریکا
۸۳	موسیقی در آمریکا
۸۵	تفاوت موسیقی کلاسیک با موسیقی‌های روز
۸۶	گنگستر
۸۹	اما موسیقی خودمان در حال حاضر
۹۰	کلمات نوشتاری
۹۳	خشونت
۹۴	جعبه ریتم - (ریتم باکس)
۹۵	موزیک - فیزیک - شنوایی
۹۵	شکل گرفتن هنرها در نزد انسان‌های اولیه:
۹۸	بیان سازها - جریان فیزیک
۱۰۷	چرا بعضی از شخصیت‌های فرهنگی عصر ما دروغ می‌گویند؟
۱۰۷	اما دروغ:
۱۱۳	تاریخچه پول
۱۱۴	چگونگی پول
۱۱۸	طنز موزیکال
۱۲۳	فصل دوم
۱۲۹	زندگی انسان‌های اولیه
۱۳۱	نگرشی به هنر غرب
۱۳۳	فشرده‌ای از فرهنگ و هنر در اروپا
۲۴۱	فرهنگ و هنرمدرن
۱۴۷	هنرمعاصر
۱۵۴	سخن آخر

مقدمه

بنا به رسم گذشته و عادت، هر شخصی که کتابی می‌نویسد، در ابتدا مقدمه ای می‌آورد که گویای فشرده ای از درون متن است. به نظر من نوشتن مقدمه با این روش، یک وجه اشتراکی با اجرای اپرا دارد. اگر توجه به اپرا داشته و یا برحسب تضاد دیده و شنیده باشیم به اینگونه است: زمانی که حاضرین به سالن وارد شده و در جای خود مستقر شوند، صدای موسیقی بگوش می‌رسد که بسیاری در اروپا با آن آشنا هستند. برای اطلاع نا آشنایان این روش را توضیح خواهم داد به این گونه: جای نوازندگان ارکستر برای اجرای اپرا در روی صحنه نیست، بلکه دریائین صحنه، به عبارتی زیر سن قرار می‌گیرند و می‌نوازند، چون روی صحنه جا برای دکور و بازی خوانندگان است. نواختن ارکستر قبل از باز شدن پرده صحنه است و هنوز نشانی از خوانندگان، به عبارتی بازیگران خواننده نیست، فقط اصوات موزیکال بگوش می‌رسد. اصواتی که از ارکستر بگوش می‌رسد، همانا فشرده ای از محتوای داستان اپراست که بنوعی آماده سازی حضار برای دیدن اپرا و تصور اولیه از متن داستان و یاد آوری داستان است که در ذهن خود داشته باشند. فکرمی کنم که این همان روش مقدمه نویسی است. چنانچه مقدمه نویسی هر کتاب هم، اشاره ای فشرده از مجموعه گفتار داخل متن است که برای آماده سازی خواننده آورده می‌شود. من هم به تقلید از نویسندگان و یا اپرا، پیش گفتاری را تحت عنوان مقدمه نوشته و کوشش بر آن دارم که اشاره مختصری به متن داشته باشم. به این دلیل که از همان ابتدا خواننده تکلیف خود را بداند، آیا مطلب برای او جذابیت دارد و یا این که با خواندن پیش گفتار کتاب را بسته و وقت خود را صرف کار دیگری می‌کند.

متن کتاب، انتقاد به موسیقی معاصر و موزیسین‌های ما و عرضه موسیقی آن‌ها به جامعه است. طبیعتاً که با موزیسین‌های ما شاید بطور رسمی و کتبی برخورد نشده و اگر موسیقی بی محتوایی را به بازار عرضه داشته اند،

نظرانتقاد شخصی و یا شفاهی بوده است. در این نوشته کوشش بر آنست که توجه موزیسین‌ها و همچنین مردم جامعه ما که از این فرهنگ بسیار تاثیر گذار آگاهی ندارند و یا بطور گذرا و تفریحی با آن برخورد داشته اند، به این مسئله جلب کنم. برای اثبات این مبحث به انواع مسائل و مطالب مختلفی که در ارتباط با موسیقی وحتى خارج از آن بود چنگ انداخته وحتى به طنزهای موزیکال هم برای رفع خستگی، اشاراتی دارم.

در واقع قصدم بر این است که راه مثبت و منطقی و درستی برای بهبود این فرهنگ موثر زمینه سازی شود تا بتوانیم آینده سازنسل بعدی باشیم، چون متعهد هستیم و وظیفه داریم که اشاره به خطرات این فرهنگ بشود. به نظر می‌آید که هنرهای یک سرزمین پاک و مبرا از هرگونه آلودگی است، اما شخصی که یکی از هنرها را دستمایه کاری خود می‌کند، باید از سلامت جسمی و روحی برخوردار باشد، از آن گذشته تاریخ سرزمین خود را شناخته، درک درستی از مسائل جامعه داشته و شناخت کاملی از تخصص خود بدست آورده باشد، شاید در این حالت بتواند اثر خود را عرضه کند. تمام مطالب کتاب در این رابطه است.

در این کتاب جلوی بسیاری از مسائل موسیقی که تا زمان حال عرضه شده، علامت سوال است که با گذشت حدود ۶۰-۷۰ سال از عمر موسیقی این سرزمین، آیا تاثیر خاصی در جامعه بوجود آورده است؟ من معتقد هستم که تاثیر نامطلوب آن بیش از مطلوب بودن موسیقی بوده و ما شاهد نا بسامانی آن هستیم. اگرچه این هنر در سرزمین ما بسیار جوان است، ولی آیا می‌شود سرعت فراگیری بچه هایمان را نا دیده بگیریم؟ آیا می‌شود سرعت تحولات اجتماعی را کند به حساب آوریم؟ آیا می‌توانیم سرعت جریان‌های علمی را از نظر دور بداریم؟ به نظر من در این زمان محاسبه ۶۰-۷۰ سال با صد سال پیش، تفاوت از زمین تا ماه گردون است.

در پایان مقدمه خواستم اشاره ای هم به تصاویر موزیکال که در شهر اصفهان نقش بسته و موجود است، داشته باشم. از آن گذشته در بعضی دیگر از شهرهایمان از جمله کرمانشاه هم مثل طاق بستان، تصاویری موزیکال موجود است. با کمال تاسف باید یاد آور شوم که تحقیق در این موارد، نیاز به حمایت دولت دارد که از گروه‌های مختلف مثل باستان شناس، جامه شناس، تاریخ شناس و موسیقی شناس بهره گرفت، تا به واقعیت برسیم. این جریان بنظر من کار فردی نیست، بلکه گروهی است و باید مسئولین دلسوز به آن توجه داشته باشند تا بتوانند از درون تاریخ و کشف اشیاء، به واقعیت‌های تاریخی دست یافت.

پیشگفتار

در همین ابتدا با عرض پوزش از خواننده، خواهشی که دارم این که با پیش داوری به قضاوت مطالب نپردازید و اگر خطائی در نوشته پیش آمده، راهنمایی کنید، به عبارتی نوشته مرا تصحیح کنید، ولی در ذهن خود حذف نکنید.

باری تا حدودی با محتوای متن بطور گزارشی آشنا شدیم، حال به بعضی از مطالب دیگر که در کتاب به آن اشاره نشده، توجه کنیم.

موسیقی درس‌زمین ما با اشکال مختلفی عرضه شده و به گوش رسیده است: در ابتدا عربی، هندی، ترکی استانبولی و... که از بدو راه اندازی رادیو در مملکت ما متداول شد. بعد از آن موسیقی کلاسیک غرب مورد توجه قرار گرفت و هنرستان موسیقی (کنسرواتوار) دائرگردید که تعدادی به فراگیری ساز و آواز کلاسیک پرداختند و ارکستر سمفونی هم از نوازندگان داخل و خارج با اجرای آثاری از آهنگسازان غرب، شکل گرفت. در اواسط حکومت پهلوی دوم، موسیقی وارداتی دیگری هم با عنوان راک - پاپ با افتخار سرآمد موسیقی وارداتی ما شد و ما دیگر تنها پُرمان موسیقی‌های کشورهای همسایه نبود، بلکه با سپردن سینه خود، موسیقی غرب را هم در اختیار گرفتیم. دیگر برای شنیدن موسیقی، از کشورهای پیشرفت گرفته تا کشورهای عقب افتاده، کم نداشتیم، از هر گونه موسیقی موجود بود و بگوش می‌رسید. حتی یاد می‌آید که در دوره گذشته تعدادی کافه رستوران در تهران دائرگردید و نوازنده گان کوبائی را با نوای جدید به خدمت موسیقی وارداتی تحت عنوان موسیقی کوبائی، در کنار موسیقی وارداتی قرار دادند. البته ناگفته نماند که مجموعه موسیقی وارداتی تحمیلی بود، به این جهت که اصوات آن از رادیو بگوش

می‌رسید و انتخاب افراد جامعه نبود. انتخاب نوع موسیقی وارداتی هم شرایط خاصی داشت، به عبارت دیگر تعدادی عربی، هندی و... و دیگرانی که تا حدودی متفکر و روشنفکرنا بودند، موسیقی کلاسیک را گوش می‌دادند.^۱

حال توجه به موسیقی خودمان داشته باشیم. تا قبل از انقلاب مشروطیت، موسیقی مورد بحثی نداشتیم. آنچه که امروزه به عنوان موسیقی موجود است، اشکال گوناگونی دارد که در گذشته نه چندان دور به این شکل بود: ابتدا در روستاهای دور از شهر، کسانی که گله دار هستند، گله خود را به کوهستان برده و در بیکاری خود اگر حوصله داشتند، برای رفع تنهایی، در نی خود می‌دمیدند و اصواتی تولید می‌کردند. البته گله داری ساز خود را می‌نواخت که در منطقه نی زار می‌بود و دسترسی به نی می‌داشت. من فکر می‌کنم که نامگذاری دستگاه‌ها هم بیشتر مربوط به همین روستاها و شاید شهرهای نزدیک به آن باشد. برای مثال موسیقی دیلمان. فکر می‌کنم این موسیقی اولیه که روستایان در دل دشت و کوه بصدا در می‌آوردند، اساس موسیقی ردیف و یا دستگاهی ما باشد. بنا بر این زمانی که تهران به پایتختی انتخاب شد، تقریباً ۱۵۰ سال بعد دانشگاه تاسیس گردید، سطح دانش تا حدودی بالا تر رفته و توجه به موسیقی هم بیشتر گردید. در ابتدا با باز شدن مدرسه دارالفنون و با ورود خارجی‌ها و مطرح شدن موسیقی آنان، موزیسین‌های ما هم بفکر سروسامان دادن موسیقی سرزمین خودمان افتادند و تا حدودی موسیقی گذشته ما با اسامی و عناوین دستگاهی منسجم تر گردید و شکل امروزی را بخود گرفت. البته فکر می‌کنم که حدود ۵۰ سال بعد از تاسیس دارالفنون، دانشگاه دائر شد.

۱- چند سال بعد از تاسیس رادیو، تمام هم و غم دست اندرکاران بر این بود که جذابیت کار رادیو را بالا ببرند تا شنونده‌های بیشتری را جذب کنند. برای مثال روزهای تعطیل اعیاد، روزهای جمعه و... تعدادی کم‌دین‌های مجری برای سرگرم کردن شنونده‌ها، برنامه‌های کم‌دین اجرا می‌کردند و چون هیچ وسیله تفریحی دیگری در کار نبود، طبیعتاً که در این راه صاحب نام و شهرت می‌شدند. تا جایی که بخاطر می‌آورم، حتی شخصی از کم‌دین‌ها آن چنان شهرتی داشت که توانست خود را کاندید مجلس شورا کند و انتخاب شد. در آن زمان روزنامه فکاهی با نام توفیق به چاپ می‌رسید که بنوعی باعث سرگرمی تعدادی با سواد بود. روزی شخصی در آن مطلبی نوشت به این مضمون: من نه آنقدر با سواد شدم که بیکار بگردم و نه آنقدر بی سواد م که وکیل مجلس شوم مرا راهنمایی کنید. باری از موسیقی بگویم. در همان اوایل رادیو، برنامه ای در ساعت پنج بعد از ظهر پخش می‌شد تحت عنوان پنج وسه دقیقه که موسیقی‌های درخواستی پخش می‌کرد. مجری این برنامه دو نفر که یک خانم و دیگری آقای بود اظهار داشتند که: هرچه مردم بخواهند ما پخش می‌کنیم. موسیقی ایرانی به تعداد انگشت‌ها هم نمی‌رسید، در نتیجه آنچه که بیشتر درخواست می‌شد، همان موسیقی‌های وارداتی جدید بود که مردم تازه با آن آشنا شده بودند. در این شرایط بود که موسیقی وارداتی روز به روز گسترش یافت و موسیقی ایرانی هم در کنار آن حرکتی بخود داد و فعالیت خود را آغاز کرد.

موسیقی امروزه در مملکت ما مدعی زیاد دارد، او چنان کرد و من چنین کردم و چنان خواهم کرد. به نظر من تنها شخص دلسوز موسیقی مرحوم خالقی بود که در گذشته صمیمانه مطالبی را در موسیقی به تحریر درآورد و می‌توان به آن استناد کرد. در حال حاضر همان موسیقی ابتدائی روستائی، بشکل ارکستری، کارهای آهنگسازی شده را می‌نوازند و راهی بازار می‌کنند. طبیعی‌ست که این نوع موسیقی از طریق رادیو، تلویزیون، کاست و یا CD به دست مردم می‌رسد و بعد از چندی عادت شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. آنطور که متداول شده و تعدادی از موزیسین‌ها مطرح می‌کنند و می‌گویند موسیقی ما سنتی است. به نظر من تنها تغییری که در موسیقی زمان حال بوجود آمده، آنست که همان موسیقی اولیه با نفرات بیشتری به اجرا در می‌آید. حال اگر توجه داشته باشیم که در این ۷۰ یا ۸۰ سال گذشته چگونه ایران تغییر کرده و چه دگرگونی در تمام مسائل اجتماعی بوجود آمده - نه تنها در موسیقی، بلکه در تمام جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - آیا تغییراتی هم در موسیقی صورت گرفته است؟

باری من فکر می‌کنم که روستائیان همچنان با موسیقی خودشان زندگی می‌کنند و شاید اگر برحسب تصادف موسیقی شهری بدستشان رسیده باشد، برای تغییر ذائقه خود، گاهی به آن هم گوش داده که بی‌تاثیر در ذائقه آن‌ها نخواهد بود. و اما شهرنشینان: آن‌ها هم با شرایط مختلف، دانش و آگاهی گوناگون، موسیقی‌های خود را انتخاب می‌کنند. تعدادی موسیقی سنتی - به نقل از موزیسین‌های ایرانی - تعدادی دیگر از موسیقی‌های وارداتی که بستگی به سلیقه و موقعیت اجتماعی داشته و در واقع یک بازار آشفته موزیکال در جامعه جریان دارد که مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بخش‌های مختلف کتاب، کوشش بر آن دارم که ابتدا موسیقی را به تحلیل گرفته و برای پرهیز از خطاها، با انتقاد از آنچه که بوده و هست، توضیحاتی می‌دهم.



انشارات آرون

www.arvannashr.ir

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

خیابان نظری، پلاک ۱۰۵ واحد ۳

تلفن: ۵۱-۶۶۹۶۲۸۵۰

ISBN:978-964-231-528-4



9 789642 315284

25319 2527

نقد موسیقی

قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ ریال

